

آثار حقوقی پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت با تأکید بر موافقت‌نامهٔ تریمز

علی ادیبی*
توکل حبیب‌زاده**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۱

چکیده

موافقت‌نامهٔ ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری (تریمز) دربردارندهٔ مقرراتی است که برخورد حکومت‌ها را در برابر عملکرد شرکت‌های خارجی فعال در کشور خود محدود می‌سازد. از آن‌رو این شروط را ضوابط سرمایه‌گذاری خوانده‌اند که ناظر بر شرکت‌های چندملیتی فعال در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دارای فعالیت‌های تولیدی در کشور میزبان است. همچنین از آن‌رو تجاری نامیده می‌شود که شرایط یادشده از یک یا چند طریق از طرق سه‌گانهٔ اساسی بر جریان‌های تجاری تأثیر می‌گذارد. الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های چندگانهٔ آن از جمله تریمز، ممکن است با هدف مقاومتی نمودن اقتصاد در تضاد باشد و قطعاً علاوه بر تعارض‌های این حوزه، دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌باشد. اما با مطالعهٔ تریمز و سایر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، می‌توان محدودیت‌های ناشی از آنها در راستای انسداد اهداف اقتصاد مقامی از یک طرف و عدم محدودیت تجاری برای سرمایه‌گذاران خارجی از طرف دیگر، را مورد واکاوی قرار داد و قبل از الحاق به سازمان جهانی تجارت، نقشهٔ راه دقیق و مناسبی را برای کم‌اثر نمودن محدودیت‌های تریمز و موافقت‌نامه‌های دیگر ترسیم نمود؛ زیرا که بی‌توجهی به مسائل پیش‌رو و ضرورت بررسی و اصلاح ساختارهای

* دانشجوی دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی
adibilawyer@gmail.com

** دانشیار حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

thabibzadeh@gmail.com

اقتصادی، قطعاً فرایند الحاق را برای کشور آسیب‌پذیر می‌کند. در این فرایند، الحاق به تریمر خود موضوعی است که می‌تواند کشور را از هدف موصوف دور نگه دارد. در تبیین موضوع، این موافقت‌نامه در خصوص موانع تجاری است که یک سرمایه‌گذار خارجی در کشور مقصد با آن روبه‌روست. این موضوع عامل مهمی است که پیوستن به سازمان جهانی تجارت را از نگرش‌های صرف حقوقی به جبهه‌های سیاسی کشانده است. در این راستا، این مقاله سعی دارد در کنار بیان جهات مثبت الحاق به سازمان جهانی تجارت و تصویب موافقت‌نامه‌های الزامی آن بر اقتصاد ایران، زیان‌هایی که ممکن است در پی داشته باشد، را نیز ارزیابی کند.

کلیدواژگان:

اقتصاد مقاومتی، تریمر، سازمان جهانی تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، ایران.

مقدمه

در ادبیات تخصصی مدیریت فناوری در ایران، مجموعه مقررات موسوم به تریپس که چارچوب حقوقی تنظیم روابط به منظور حمایت از حقوق مالکیت فکری است، تا حدود زیادی شناخته شده است. اما این مجموعه قواعد به دو حوزه دیگر مقرراتی، یعنی «موافقت نامه عمومی تجارت خدمات (گتس)»^۱ و «موافقت نامه تدابیر سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (تریمز)»^۲، مرتبط است و هر سه مجموعه‌های حقوقی در بطن رژیم حقوقی تجارت آزاد «سازمان جهانی تجارت»^۳ قرار دارند که منشأ گرفته از مذاکرات «دور اروگوئه»^۴ می‌باشند. «تدابیر سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت» به مجموعه تدابیر و الزامات تجاری اطلاق می‌شود که کشورهای میزبان بر سرمایه‌گذاران خارجی تحمیل می‌کنند. این گونه تدابیر به دلیل تأثیرات منفی که بر تجارت آزاد می‌گذارند، در مذاکرات دور اروگوئه مورد توجه کشورهای عضو «گات»^۵ قرار گرفتند. تریمز که از جمله موافقت‌نامه‌های الزامی سازمان جهانی تجارت است، پس از مذاکرات طولانی، به تصویب اعضا رسید. این موافقت‌نامه که با دو هدف آزادسازی تجارت جهانی و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی تهیه و تدوین شده است، «از سرمایه‌گذاری خارجی حمایت نمی‌کند، بلکه به موانعی می‌پردازد که کشورهای میزبان در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی بر سرمایه‌گذاران خارجی تحمیل می‌کنند؛ موانعی که بر تجارت تأثیر سوء می‌گذارد»^۶.

1. The General Agreement on Trade in Services (GATS).

2. The Agreement on Trade-Related Investment Measures (TRIMs).

3. The World Trade Organization (WTO).

4. Uruguay Round.

5. The General Agreement on Tariffs and Trade (GATT).

۶. شیروی، عبدالحسین و علیرضا پوراسماعیلی، مطالعه تطبیقی الزام سهم داخل در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی، نشریه حقوقی دادگستری، دوره ۷۵، ۱۳۹۰، شماره ۷۴، ص ۴۲.

۱. آشنایی مفهومی با موافقت‌نامه تریمز

۱.۱. سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی^۱ عبارت است از نوعی سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) است.^۲

در تعریفی دیگر، سرمایه‌گذاری خارجی عبارت است از به‌کارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی جدید یا موجود پس از اخذ مجوز سرمایه‌گذاری^۳ که در ایران مطابق ماده ۲ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری، پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی باید به منظور عمران و آبادانی و فعالیت تولیدی، اعم از صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات، صورت پذیرد. سرمایه‌گذاری خارجی از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول، نوعی سرمایه‌گذاری است که با هدف کسب منافع پایدار در کشوری به جز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن این است که سرمایه‌گذار خارجی در مدیریت بنگاه مربوط نقش مؤثر داشته باشد.^۴

۱.۲. موافقت‌نامه تریمز

دولت‌ها معمولاً شرایطی را به منظور تشویق سرمایه‌گذاری بر اساس اولویت‌های مشخص ملی بر سرمایه‌گذاران خارجی تحمیل می‌کنند. آن شرایطی که می‌تواند بر تجارت تأثیر بگذارد، به عنوان اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (تریمز) شناخته می‌شود. قواعدی که در دور اروگوئه تصویب شد، کشورها را از استفاده از تریمز در صورت ناهمخوانی با قواعد گات منع می‌دارد. به عنوان مثال قواعد گات کشورها را از استفاده از محدودیت‌های کمی بر واردات منع می‌کند. در ضمن کشورها باید طبق اصل رفتار ملی، با سرمایه‌گذاران خارجی همان رفتاری را داشته باشند که با سرمایه‌گذاران خود دارند.

1. Foreign investment.

۲. مرادی، بهنام و مهدی ایران‌پرست، سرمایه‌گذاری خارجی، موانع و راهکارهای آن، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، ۱۳۸۵، ص ۸۷.

۳. همان، ص ۸۹.

۴. همان، ص ۹۱.

پس از عدم حصول نتیجه در مذاکرات سازمان بین‌المللی تجارت در هاوانای کوبا در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ و هرچند در شق‌های اول و دوم از بند اول ماده ۲ منشور هاوانا بر اهمیت بالای سرمایه‌گذاری بین‌المللی در افزایش توسعه اقتصادی و به دنبال آن رشد اجتماعی و لزوم تأمین امنیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی به عنوان عامل مهمی در جابجایی سرمایه بین کشورها تأکید شده است، ولی پس از مذاکرات دور اروگوئه، سازمان جهانی تجارت موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری خارجی را در ۱۹۹۵ به تصویب رساند. تریمز از جمله موافقت‌نامه‌های الزامی و بنیادین سازمان جهانی تجارت است که تمامی کشورهای عضو سازمان باید پس از عضویت، آن را اجرایی و عملیاتی کنند. از اهداف اصلی موافقت‌نامه مذکور همان‌گونه که در مقدمه آن آمده است، گسترش و آزادسازی هرچه بیشتر تجارت جهانی و تسهیل سرمایه‌گذاری بین‌المللی از طریق رفع اقدامات تبعیض‌آمیز در امر تجارت و همچنین قاعده‌مند کردن رفتار دولت‌ها با سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای دیگر به منظور افزایش رشد اقتصادی کلیه طرف‌های تجاری، به ویژه کشورهای در حال توسعه، همراه با تضمین رقابت است؛ برای مثال، این امر مهم که دولت‌ها رفتار باثباتی در مواجهه با سرمایه‌گذار خارجی داشته باشند یا با اعمال تعرفه‌ها، مقررات ارزی، مقررات صادراتی یا الزام سهم داخلی نتوانند در عرصه تجارت کالا اخلاص ایجاد کنند، از هدف‌هایی است که این موافقت‌نامه در پی آن است.^۱

طبق بند ۱ موافقت‌نامه مذکور که ناظر بر ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا است، مفاد این موافقت‌نامه در باره سرمایه‌گذاری تجارت خدمات به کار نمی‌رود. بند اول ماده ۲ موافقت‌نامه نیز اعضای سازمان جهانی تجارت را ملزم می‌سازد که از ضوابط ناسازگار با مفاد ماده ۳، یعنی اصل رفتار ملی و همچنین از حذف محدودیت‌های کمی موضوع ماده ۱۱ مقررات گات ۱۹۹۴، استفاده نکنند. در فهرست توضیحی ضمیمه این موافقت‌نامه، ضوابطی را که با دو ماده مذکور ناسازگار بوده، اعلام کرده است. فهرست توضیحی موصوف ضوابطی را شامل می‌شود که طبق قوانین داخلی یا مقررات اداری جنبه الزامی داشته یا نافذ بوده و یا اجرای آنها برای کسب یک مزیت لازم است. بند اول فهرست مذکور دو دسته الزامات محتوایی یعنی الزام سهم داخلی

1. Mosoti, Victor, *The WTO Agreement on Trade Related Investment Measures and the Flow of Foreign Direct Investment I Africa: Meeting the Development Challenge*, Peace International Review, Vol. 15, 2003, p.188.

و الزام تراز تجاری مغایر با اصل رفتار ملی مربوط به ماده ۳ مورد اشاره را شامل می‌شود. طبق موافقت‌نامه مذکور، مذاکرات مربوط به درخواست‌های تمدید دوره انتقال در شورای تجارت کالا انجام می‌شود و تاکنون همه کشورهای که به سازمان جهانی تجارت ملحق شده‌اند، پذیرفته‌اند که با عضویت در سازمان مذکور، موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری را اجرا و تعهدات مربوط به شفافیت و اطلاع‌رسانی را رعایت کنند. طبق ماده ۷ موافقت‌نامه، کمیته ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری در ژانویه ۱۹۹۵ به وسیله شورای عمومی تشکیل می‌شود که بر عملکرد و اجرای موافقت‌نامه نظارت می‌کند و این کمیته هر سال دو بار تشکیل جلسه داده فعالیت‌های خود را به شورای تجارت کالا گزارش می‌دهد.^۱

۱.۳. ضوابط حاکم بر تریمز

الحاق به سازمان جهانی تجارت، پیش شرط‌هایی از جمله الزام بر پذیرش موافقت‌نامه‌های این سازمان دارد. از جمله این موافقت‌نامه‌ها موافقت‌نامه تریمز است که خود دارای ضوابطی به صورت الزام در راستای تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی است که در ذیل به شرح هر یک از آنها می‌پردازیم و در مباحث آتی آثار آن را بیان می‌کنیم.

۱.۳.۱. الزام سهم داخل

الزام سهم داخل تعهدی است که کشورهای میزبان بر سرمایه‌گذاران خارجی تحمیل می‌کنند که بخشی از مواد و تجهیزات مورد نیاز خود را از داخل تأمین کنند. به دلیل این که چنین الزاماتی بر روند تجارت آزاد تأثیر منفی بر جای می‌گذارد، مطابق مقررات سازمان جهانی تجارت، بر خلاف اصل عدم تبعیض میان کالاها و خدمات داخلی و وارداتی و نیز اصل رفتار ملی شناخته شده است^۲ و به موجب تریمز کشورهای عضو متعهدند از اتخاذ چنین اقداماتی خودداری کنند؛ زیرا تأثیرات مخربی بر روند آزاد تجارت جهانی دارند. در بسیاری از قوانین و مقررات داخلی جمهوری اسلامی ایران چنین الزاماتی برای سرمایه‌گذاران خارجی وجود دارد.^۳

۱. بوجاری، مسعود، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و الزامات حقوقی آن در حوزه تجارت بین‌الملل، ۱۳۹۴، برگرفته از سایت به آدرس: <http://www.ettelaat.com/etiran/?p=۱۲۵۲۲۹>

2. *Local Content Requirements and the Green Economy*, United Nations Publication, 2014, p. 21.

۳. شیروی، عبدالحسین و علیرضا پوراسماعیلی، پیشین، ص ۴۱.

۱.۳.۲. الزام تراز تجاری

یکی از شاخص‌های ارزیابی وضعیت تجارت یک کشور، تراز تجاری یا تفاضل واردات از صادرات است. تراز تجاری مثبت به معنی پیشی گرفتن صادرات از واردات و تراز تجاری منفی برعکس آن است. معمولاً اقتصادهای جهان تلاش می‌کنند تا روند بلندمدت تجارت آنها در راستای بهبود تراز تجاری، ضمن افزایش واردات، متناسب با نیازهای رشد و توسعه اقتصادی آنها باشد و تجربه نشان داده است که عامل خالص صادرات و واردات، نقش اساسی در تأمین رشد اقتصادی برخی از کشورها دارد.

همان‌طور که بیان شد، در پی گسترده‌ی تجارت بین‌الملل و متعاقب آن همه‌گیری سرمایه‌گذاری خارجی در اواخر دهه ۱۹۸۰، افزایش قابل توجهی در «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»^۱ در سراسر جهان رواج پیدا کرد. با این حال، کشورها با پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در عرصه اقتصاد کشورشان محدودیت‌های متنوعی را در راستای حمایت و حفاظت از شاکله اقتصاد داخلی کشور تحمیل می‌کنند. از جمله این محدودیت‌ها الزام تراز تجاری^۲ است. الزام تراز تجاری بر آن است تا هم‌راستا با موارد پیش گفته، خرید یا استفاده بنگاه‌ها را از کالاهای وارداتی به میزانی مرتبط با میزان یا ارزش محصولات محلی که بنگاه مذکور صادر می‌کند، محدود سازد.

بر اساس مطالعه «صورت گرفته از سوی سازمان توسعه‌ی صنعتی سازمان ملل متحد (یونیدو)»^۳، کشورهای در حال توسعه عمدتاً برای کنترل هرچه بیشتر فعالیت شرکت‌های خارجی، تقویت صنایع نوپا و به ویژه صنعت خودروسازی، ارتقای سطح فن‌آوری، بهبود تراز تجاری و اشتغال‌زایی این الزام را بر سرمایه‌گذاران خارجی اعمال می‌نمایند.^۴ در سال ۱۹۸۵ بر روی نود و دو کشور جهان، از جمله ضوابط سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت اعمال شده در این کشورها الزام تراز تجاری بوده است. همچنین نمایندگی تجاری ایالات متحده در سال ۱۹۸۹، وضعیت اعمال الزام تراز تجاری در پنجاه و یک کشور، مشتمل بر سی و یک کشور با درآمد متوسط و کم و بیست کشور توسعه‌یافته را مطالعه کرد. نتایج این تحقیق بیانگر آن بود که «از میان این

1. Foreign Direct Investment (FDI).

2. Trade Balancing Requirement.

3. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

4. Moran, Theodore, *The Impact of Trade-Related Investment Measures and Development: Theory, Evidence and Policy Implications*, New York & Geneva, United Nations, 1991, p. 23.

کشورها، چهل و نه کشور ضوابط سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت را بر سرمایه‌گذاران خارجی تحمیل کرده‌اند. از جمله این محدودیت‌ها که در این کشورها اعمال و تحمیل شده بود، الزام تراز تجاری بوده است.^۱

به‌رحال الزام تراز تجاری از جمله محدودیت‌هایی است که در بازخورد با سرمایه‌گذاری خارجی اعمال می‌گردد و در موافقت‌نامه تریمز بدان اشاره شده و حذف این محدودیت از ضوابط تجاری کشورهای عضو، از جمله الزاماتی است که اعضا با توجه به ماهیت این توافق‌نامه که خواهد آمد، باید آن را رعایت نمایند.

۱.۳.۳. الزام به فروش داخلی^۲

نوع سوم ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری که مغایر ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ است و طبق این موافقت‌نامه ممنوع اعلام شده، مربوط به آن دسته از ضوابطی است که محدودیت‌هایی برای صادرات شرکت سرمایه‌گذاری خارجی به دنبال دارد، اعم از اینکه این محدودیت به لحاظ نوع، میزان یا ارزش کالاهای تولیدی باشد یا برحسب نسبتی از میزان یا ارزش تولید محلی بنگاه. بنابراین الزام فروش داخلی که متضمن نوعی محدودیت بر صادرات است و بر اساس آن بنگاه باید بخش معینی از تولید خود را در بازار داخلی به فروش برساند، طبق بند دوم فهرست توضیحی ممنوع است. این بند سایر ضوابط مرتبط با صادرات، مثل مشوق‌های صادراتی و الزام عملکرد صادراتی، را دربرنمی‌گیرد.^۳

مالیات صادرات و سهمیه صادرات، سیاست‌هایی سنتی است که کشورهای در حال توسعه برای محدود کردن صادرات استفاده می‌کنند. با این حال، برخی از کشورهای در حال توسعه نیازمند یک نوع جدید از سیاست کنترل صادرات، یعنی فروش داخلی هستند. با توجه به این سیاست، نسبت مشخصی از خروجی مورد نیاز است که در بازار داخلی فروخته شود و فقط تولید باقی‌مانده بتواند صادر شود.

1. Ibid, p. 24.

2. Domestic Sales Requirement.

۳. زارع، محمدحسین، اثرات پذیرش موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری سازمان جهانی تجارت بر حساب جاری ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰، ص ۷۳.

۲. الحاق ایران به موافقت‌نامه ضوابط تجاری مرتبط با سرمایه‌گذاری (تریمز)

اولویت اول ایران برای الحاق به سازمان جهانی تجارت آماده شدن برای ورود علمی و مدیریت شده به نظام اقتصاد بین‌الملل و تحکیم تدریجی عناصر اقتصاد بازاری در کشور است. اگر بخواهیم با ایجاد روابط تجاری قاعده‌مند با ۱۴۵ کشور جهان از مزایایی منتفع شویم و با دسترسی به بازارهای متعدد صادرات خود را گسترش دهیم، طبیعتاً باید دیگران را نیز از بازار خود منتفع کنیم. این نوع تبادل به تفکر علمی و مدیریت شده و تدبیر نیاز دارد، زیرا با بخش‌های مختلف جامعه برخورد دارد و برنامه‌های توسعه را متأثر می‌سازد.

۲.۱. ماهیت و شاکله تریمز از منظر حقوقی

به طور کلی، موافقت‌نامه ضوابط تجاری مرتبط با سرمایه‌گذاری (تریمز) دامنه گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد. این گستره علاوه بر انگیزه‌های مفروض در آن، الزاماتی را نیز در پی دارد که به واسطه آن دولت‌ها می‌توانند به برخی از اهداف اقتصادی خود برسند؛ هرچند برخی این موافقت‌نامه را در کشورهای در حال توسعه و مستعد برای سرمایه‌گذاری یک تهدید قلمداد می‌کنند. از جمله این اهداف عبارت‌اند از: ترویج صادرات از کشور میزبان (الزام رعایت مقررات صادرات و تراز تجاری)؛ کاستن از واردات توسط سرمایه‌گذاران خارجی (الزام سهم داخل)؛ پویایی اقتصادی و اهداف سیاست اجتماعی در بازخورد با نگرش‌های اقتصادی از جمله ایجاد شغل؛ انتقال فناوری به کشور میزبان.^۱

در این راستا، کشورها به فراخور قوانین و مقررات خود مربوط به سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی کوشیده‌اند از مزایای سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب این موافقت‌نامه بهره ببرند. از جمله این مزایا که کشورهای میزبان به نوعی در سایه الزامات ناشی از آن می‌توانند سرمایه‌گذار را به سمت بازارهای خود سوق دهند، الزام سهم داخل است. به موجب این الزام، سرمایه‌گذار باید مقداری از مواد اولیه و خام خود را از کشور میزبان تهیه کند. در کنار این موضوع می‌توان به انتقال فناوری و ترویج اشتغال محلی نیز اشاره کرد.^۲

1. United Nations, *Elimination of TRIMs: The Experience of Selected Developing Countries*, Printed in Switzerland, ISBN 978-92-1-112729-4, ISSN 1818-1465, 2007, p. 12.

2. Matsushita, Mitsuo and Others, *The World Trade Organization*, First Publishing, Oxford University, 2003, p.76.

در طول دهه ۱۹۷۰ میلادی، دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه از این الزامات به عنوان ابزاری در راستای رشد و گسترش اقتصادی کشور خود بهره برده‌اند. این موضوع در حوزه‌های مختلفی، از جمله خودروسازی، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، رایانه و بخش‌های اطلاعاتی ترویج یافت. باز خورد این الزامات القاگر محدودیت‌هایی بود که به مزاج سرمایه‌گذاران خوش نمی‌آمد و همواره آنها را محدودیت‌هایی در راستای سرمایه‌گذاری‌های خود می‌دانستند.

بنابراین، تسهیل امر سرمایه‌گذاری بین‌المللی از طریق رفع اقدامات تبعیض‌آمیز در امر تجارت و همچنین قاعده‌مند کردن رفتار دولت‌ها با سرمایه‌گذاران خارجی از اهداف این موافقت‌نامه است. برای مثال، این امر مهم که دولت‌ها رفتار باثباتی در مواجهه با سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشند یا با اعمال تعرفه‌ها، مقررات ارزی، مقررات صادراتی یا الزام سهم داخلی نتوانند در عرصه تجارت کالا اخلاص ایجاد کنند، از هدف‌های این موافقت‌نامه است. به عبارت دیگر، این موافقت‌نامه در واقع، مرتبط با موانع تجاری است که یک سرمایه‌گذار خارجی در کشور مقصد با آن روبه‌روست؛ برای مثال کشور مقصد تعهداتی را به سرمایه‌گذار خارجی تحمیل می‌کند که مقداری از کالاهای مورد نیاز خود را از منابع داخلی تهیه یا در تولید کالاهای خود از کالاهای مواد ساخت داخل استفاده کند. موافقت‌نامه تریمز اعضا را ملزم می‌سازد که از مقررات داخلی ناسازگار با مفاد ماده ۳ (اصل رفتار ملی) یا ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ (حذف محدودیت‌های کمی) استفاده نکنند. این موافقت‌نامه دارای یک ضمیمه شامل فهرستی از مواردی است که از نظر موافقت‌نامه، رفتار تبعیض‌آمیز تلقی شده و ارتکاب آنها ممنوع شده است.^۱

در این ضمیمه ضوابطی که با این دو ماده یاد شده ناسازگارند، به تفصیل بیان شده است؛ مثل الزام سرمایه‌گذار خارجی به خرید محصولات داخلی، محدود ساختن سرمایه‌گذاری خارجی در خرید کالاهای وارداتی، الزام به کار بردن کالاهای داخلی در کالاهای تولیدی و ایجاد محدودیت در صادرات کالای تولیدی.

کشورهای عضو مکلف به اجرایی و عملیاتی کردن مفاد این موافقت‌نامه و ضمایم آن هستند و هر عضو مکلف است که کلیه اقدامات و تصمیمات سرمایه‌گذاری را که خلاف الزامات موافقت‌نامه تریمز است، به سازمان گزارش دهد.

1. Rashid, Khalid, Philip Levy & Mohammad Salaam, *The World Trade Organization and Developing Countries*, Vienna, Austria, 1999, p. 119.

در این راستا، کشورهای عضو باید در یک دوره زمانی، ضوابطی را که بر خلاف این موافقت‌نامه در مقررات داخلی شان وجود دارد، حذف کنند. حذف این ضوابط باید ظرف دو سال پس از لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه برای کشورهای توسعه‌یافته، پنج سال برای کشورهای در حال توسعه و هفت سال برای کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی انجام شود و این بدان معنی است که کشورهای عضو توسعه‌یافته، در حال توسعه و در کمترین درجه توسعه‌یافتگی باید به ترتیب تا اول ژانویه ۱۹۹۷، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ تمام ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری مدنظر موافقت‌نامه را حذف می‌کردند.^۱

در گات ۱۹۴۷ به ممنوعیت اقدامات سرمایه‌گذار اذعان گردیده بود، اما بازخورد آن در خصوص اصل رفتار ملی و ممنوعیت حاکم بر آن عرصه‌ای جزئی را در برمی‌گرفت یا به طور کلی ممنوعیت مربوط به آن روشن نبود.^۲

۲.۲. موافقت‌نامه تریمز در بازخورد با مقررات حاکم در ایران

در این زمینه بهتر است موضوع کمی شکافته شود. در شرایط فعلی، در سطح جهانی نظام تولیدی خاصی شکل گرفته است که به‌هیچ‌وجه با نظام تولیدی دهه‌های پیش قابل قیاس نیست. امروزه در تجارت کالاهای صنعتی، سهم کالاهای نهایی پایین آمده و به جای آن تجارت قطعات افزایش یافته است. در حال حاضر حدود ۶۰ درصد صادرات صنعتی جهان صادرات اجزا و قطعات است. این در حالی است که دو دهه پیش، این سهم کمتر از ۲۰ درصد بود. این تغییر به معنی این است که کشورها برای داشتن صنعتی در کلاس جهانی به جای تولید کامل یک کالای صنعتی به سمت تولید اجزای یک کالای صنعتی سوق پیدا کرده‌اند. یعنی در زنجیره جهانی تولید یک کالای نهایی، تولیدکنندگان مختلف از کشورهای مختلف مشارکت دارند و این مبنای تولید صنعتی آنها را شکل داده است. در واقع، امروزه «امکان مشارکت»، مهم‌ترین زیرساخت تولید صنعتی است و مشارکت بدون داشتن مقررات مشابه با دیگر کشورها امکان‌پذیر نیست. با الحاق به سازمان جهانی تجارت بستر لازم برای مشارکت‌های این‌چنینی فراهم می‌شود

1. Morrissey O. "Investment and Competition Policy in the WTO: Issues for Developing Countries", Development Policy Review, Vol. 20, No. 1, 2001, p. 17.

2. Kuntze, Jan Christoph, and Tom Moerenhout, "Local Content Requirements and the Renewable Energy Industry - A Good Match?" International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD), 2013, p. 43.

و بدون الحاق، ایجاد این بستر بسیار دشوار است. نکته بعدی که باید ذکر کرد، این است که بخش مهمی از صادرات کشورهای در حال توسعه متکی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. اگر ما به دنبال توسعه صادرات هستیم، راه آن بستن بازارهای داخلی نیست، بلکه داشتن بستری است که در آن امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی میسر شود.^۱

همان‌گونه که بیان شد، طبق اعلام آنکتاد،^۲ نصف صادرات کشورها به چین بازرهائی است. ما به دلیل اینکه هیچ توافق تجاری مشابهی با هیچ کشوری نداریم، در واقع از ۵۰ درصد بازرهائی که کشورهای دیگر برای خود دست و پا کرده‌اند، محروم هستیم. به همین دلیل صادرکنندگان ایرانی به راحتی نمی‌توانند کالاهای تولید داخل را صادر نمایند. مشابه این وضعیت را در تولید محصولات صنعتی و دسترسی تولیدکنندگان به خدمات در کلاس جهانی داریم. همه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت به خدمات جهانی دسترسی پیدا کرده‌اند و این موضوع هزینه تولید آنها را پایین آورده و به آنها امکان داده است که کیفیت تولیدات خود را در سطح کیفیت تولیدات جهانی بالا ببرند. وقتی تولیدکننده صنعتی ما به خدمات بانکی بین‌المللی دسترسی نداشته باشد، نمی‌تواند تولید رقابتی در سطح جهانی داشته باشد.^۳

بر همین اساس، «موافقت‌نامه تسهیل تجاری» در سازمان جهانی تجارت منعقد شده است تا گمرکات با سهولت هرچه بیشتری کار خودشان را انجام دهند و از تحمیل هزینه اضافی به تولیدات صنعتی اجتناب ورزند. این در حالی است که ما همچنان مثل گذشته عمل می‌کنیم؛ وقتی قطعات یک اتومبیل از ده‌ها گمرک عبور می‌کند، نرخ‌های تعرفه گمرکی به صورت تجمعی روی این قطعات بار می‌شود و در نهایت هزینه تولید خودرو را افزایش می‌دهد، تولیدکننده خودرو را از گردونه تولید اقتصادی خارج می‌کند. نرخ‌های تعرفه بالا می‌تواند بهترین و کارآمدترین تولیدکننده خودروی جهان را ورشکست کند، چون نرخ‌های گزاف تعرفه گمرکی هزینه‌هایی را به خودرو تولیدی ایشان تحمیل می‌کند که از نظر اقتصادی تاب تحمل آن در بازار وجود ندارد. ما اکنون دقیقاً به همین نحو عمل می‌کنیم؛ درحالی‌که دیگر کشورها فرزند زمان

۱. بی‌نا، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی معطل چیست؟، گفت‌وگوی روزنامه «دنیای اقتصاد»، کد خبر:

۶۷۶۱۸۴ ۱۳۹۵، برگرفته از سایت به آدرس: <http://www.tabnak.ir/fa/news>

2. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD).

3. Selivanova, Yulia, "The WTO and Energy: WTO Rules and Agreements of Relevance to the Energy Sector," Energy Charter Secretariat, 2007, p. 316.

خویش هستند و متناسب با شرایط جدید، سیاست‌های تعرفه‌ای و تجاری خود را تغییر داده‌اند. از این رو، ما هم به شدت به همین تغییر نیاز داریم؛ زیرا اگر این تغییر صورت نگیرد، امکان حضور تولیدکنندگان ایرانی در زنجیره جهانی ایجاد نمی‌شود.

در مجموع، اگر این اصلاحات در قوانین و مقررات و نیز سیاست‌های کلان تجاری ایجاد نشود، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، خرید فناوری‌های نوین و خرید لیسانس برای اختراعات و نظایر آن دشوار و دسترسی به خدمات در سطح جهانی میسر نمی‌شود. به همین ترتیب، عدم دسترسی به بازارهای هدف با شرایط ترجیحی و آزاد در دنیای جدید برای رشد صنعتی ما تنگناهای جدی ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد این تنگناها باید از میان برداشته شوند. بر این اساس، الحاق به سازمان جهانی تجارت، در واقع اقدامی است که الزاماً زمینه لازم را برای اصلاحات موردنظر فراهم خواهد ساخت.

۳. آثار منفی و مثبت الحاق به تریمز

در سازمان جهانی تجارت، جابه‌جایی آزاد کالا و سرمایه به عنوان هدف غایی در تنظیم روابط تجاری و بین‌المللی اعلام شده و بدین منظور این سازمان اقدام به تهیه و تدوین قواعد و مقررات بین‌المللی ناظر بر روابط تجاری کشورهای عضو کرده است تا با از میان برداشتن رفتارهای تبعیض‌آمیز نسبت به کالاهای مشابه، کاهش سطح تعرفه‌ها و حذف سایر موانع غیرتعرفه‌ای، عدم اخذ مالیات مضاعف، شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن بازارهای مالی و... به این هدف دست یازد. موافقت‌نامه تریمز نیز در همین راستا، اما با توجه به سرمایه‌گذاری خارجی و آثار آن بر امر تجارت، در زمره ابزارهای سازمان برای دستیابی به اهداف خود است.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، کشورهای عضو سازمان باید بر اساس ضوابط این موافقت‌نامه موانع تجاری موجود در قوانین و مقررات داخلی را در طی یک دوره زمانی مشخص بعد از الحاق حذف کنند. در ذیل کوشیده شده است با توجه به این ضوابط الزام‌آور، معایب و مزایای الحاق به سازمان جهانی تجارت، در نظام حقوقی-اقتصادی کشور مورد بازبینی و بررسی قرار گیرد.

چنان که بیان شد، محدودیت‌های صادراتی-وارداتی، الزام سهم داخلی، الزام تراز تجاری و الزام فروش داخلی، از جمله ممنوعیت‌هایی هستند که موافقت‌نامه تریمز بر آن است تا با الزام

دولت‌ها به حذف این قبیل اقدامات راه را برای تسهیل تجارت از طریق سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آورد؛ اما این رویکرد ممکن است آثار سوئی بر اقتصاد هر کشوری داشته باشد. استفاده از منابع کشور در قالب سرمایه‌گذاری خارجی و ملزم شدن در محدودیت‌های ضوابط تریمز، رقابت‌پذیری مثبتی را در راستای کیفیت تولیدات داخلی ایجاد می‌کند، اما ممکن است این نگرش به انحطاط و اغمای تولیدات داخلی ختم گردد.

۳.۱. الزامات و ضوابط تریمز: کمای اشتغال یا شکوفایی آن

در سال‌های اخیر سیاست‌مداران و اقتصاددانان با افزایش اثرات جهانی‌شدن مواجه هستند که در قالب رشد تجارت خارجی و نیز جریان سرمایه‌گذاری خارجی نمایان می‌شود. در کشورهای صادرکننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مانند آمریکا و اروپای غربی، تقاضا برای نیروی کار غیرماهر در حال کاهش و برای نیروی کار ماهر در حال افزایش است. یکی از دلایل چنین وضعی وجود نیروی کار غیرماهر در سایر کشورها، از جمله کشورهای در حال توسعه است. به همین دلیل، این شرکت‌ها بخشی از کارخانه را که دارای کاربری نیروی کار غیرماهر است، به این کشورها منتقل می‌کنند.^۱ ورود سرمایه خارجی به تبع سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است دو پیامد بر کارگر داشته باشد: نخست، رشد مثبت اشتغال برای کارگران ماهر و دیگر رشد منفی برای کارگران غیرماهر. این پی‌آمدها به دلیل ورود فناوری به کشور میزبان است که به تبع ماهیت کار، الزام بر حضور کارگر ماهر دارد.

حال اگر این فرایند را در قالب موافقت‌نامه تریمز- که از جمله موافقت‌نامه‌های الزامی سازمان جهانی تجارت است- بررسی کنیم، شاید موضوع حکمی دیگر پیدا نماید. همان‌طور که بیان شد، موافقت‌نامه تریمز با ضوابط الزامی همراه است که هر کشور عضو متعهد به رعایت آنهاست. از این ضوابط می‌توان الزام سهم داخل و تراز تجاری را در بازخورد با اشتغال مؤثر دانست. در تبیین موضوع، باید اذعان کرد بازخورد سرمایه‌گذاری خارجی در فرایند تولید داخلی معادله‌ای را ایجاد می‌کند که در کشورهای توسعه‌یافته یا به آن اهمیت داده نمی‌شود یا مصالح دیگر گرایش به آنها را مسدود می‌نماید. این معادلات تولید کالاهای با کیفیت با هزینه پایین‌تر است. نتیجه حضور

۱. نصایبان شهریار، نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال ایران، نشریه پژوهشنامه اقتصادی؛ دوره ۶، شماره ۳، ص ۱۰۰.

شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در کشور میزبان و عدم توان رقابت تولیدات داخلی با تولیدات این شرکت‌ها، تعطیلی بنگاه‌های تولیدی و افزایش بیکاری است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، بیشتر کارگران این بنگاه‌ها را کارگران غیرماهر تشکیل می‌دهند که در فرایند چرخه سرمایه‌گذاری خارجی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند و بیکار می‌شوند.

از طرف دیگر، اشتغال‌زایی نیز از جمله اهدافی است که کشورهای اعمال‌کننده الزام سهم داخل آن را دنبال می‌کنند؛ زیرا با وجود چنین الزامی، صنایع نوپای داخل و صنایع واسطه‌ای رونق می‌گیرد و موجب اشتغال‌زایی می‌شود. «بنا بر مطالعه صورت‌گرفته، این که کشور میزبان مقرر کند شرکت‌های خارجی منحصراً مواد مورد نیاز خود را باید از منابع داخلی تأمین کنند، موجب افزایش اشتغال‌زایی می‌شود»^۱.

این روند دوسویه و گاه متضاد حاکم بر پذیرش موافقت‌نامه تریمز است. اما با این اوصاف، به نظر می‌رسد کشور ایران به عنوان کشوری در حال توسعه باید طعم استفاده از تولیدات باکیفیت و با هزینه کم را به مردم بچشاند. اکنون سال‌هاست مردم بی‌وقفه از اشتغال‌زایی در قالب استفاده از محصولات بی‌کیفیت و یک‌بارمصرف حمایت کرده‌اند. حال نوبت حاکمیت است که حسن‌نیت خود را به مردم نشان دهد. مصداق بارز این ادعا صنعت به اصطلاح خودروسازی است. هنوز بعد از گذشت سال‌ها از حمایت مردم از این صنعت و خرید خودروهای تولید داخل با طرح بحث در خصوص کیفیت، بیان می‌دارند که صنعت خودروسازی «کودکی خود را می‌گذراند». به نظر می‌رسد بعد از این همه سال، این کودک قصد و انگیزه‌ای برای ورود به دوره بزرگسالی را ندارد و محجوریت را ترجیح می‌دهد.

در این راستا باید افزود، برخی مطالعات نشان می‌دهند که صنعت خودرو در ایران مزیت نسبی ندارد و فاقد توانایی صادراتی است؛ لذا شرکت‌های خودروسازی و قطعه‌سازی ایران در بازار جهانی جایگاهی ندارند. برخی کارشناسان نیز ارزانی نسبی نیروی کار و انرژی را دلیلی برای وجود مزیت نسبی در صنایع، از جمله خودروسازی، می‌دانند و معتقدند این مسئله می‌تواند زمینه

۱. شیروی، عبدالحسین و علیرضا پوراسماعیلی، پیشین، ص ۴۸.

صادرات را فراهم نماید، اما در حال حاضر، بهره‌وری پایین نیروی کار است که مانع شکوفا شدن این مزیت شده است.^۱

۳.۲. مزیت نسبی: محدودیت در پویایی یا فرصتی در شکوفایی تولید

مفهوم مزیت نسبی، ابتدا در زمینه تجارت بین‌الملل به کار برده شد؛ «به طوری که دیوید ریکاردو در نوشته‌های خود در قرن نوزدهم میلادی، این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که نفع هر کشوری در این است که به تخصصی شدن در تولید و ارائه کالاها و خدماتی بپردازد که در تولید آن بهترین بوده و با مبادله مازاد آن با کشورهای دیگر، نیاز خود به کالاها و خدمات دیگر را تأمین کند (که آنها نیز در تولید و ارائه آنها بهترین هستند). از نظر ریکاردو، مللی که سعی می‌کنند خودکفا باشند، فقر را در میان مردم خود گسترش می‌دهند؛ چراکه با تولید کالاهایی که در تولید آنها بهترین نیستند، آن کالا را با قیمتی بالاتر از قیمتی که کشورهای دیگر می‌توانستند ارائه دهند، به مردم خود می‌فروشند؛ درحالی که می‌توانستند با آزاد گذاشتن مردم برای تولید کالاهایی که در تولید آنها بهترین هستند، نهایت بهره‌وری و سود را از آن ایشان سازند».^۲

این واقعیتی انکارناپذیر است. اما این واقعیت، دربردارنده حقیقتی چالش‌برانگیز در بازخورد با تولید داخل و ورود شرکت‌های موسوم به شرکت‌های چند ملیتی است که با توجه به پذیرش موافقت‌نامه تریمز و دیگر موافقت‌نامه‌های مشابه، آزادسازی صادرات و واردات بر تولیدات داخلی ضربه‌ای سخت زده می‌شود.

تلاش برای حذف نظام تعرفه‌ها یا کاهش سطح آن به حداقل میزان ممکن معنایی ندارد؛ مگر ورود آزادانه کالاهای خارجی یا بسط و ترویج تئوری مزیت نسبی در سطح بین‌المللی با علم بر این واقعیت که مزیت نسبی اکثر کالاهای تولیدشده در اغلب کشورهای درحال توسعه قابل مقایسه با کالاهای تولیدشده در کشورهای توسعه‌یافته نیست و این امر نتیجه‌ای ندارد، مگر تضعیف بنیان‌های اقتصاد داخلی کشورهای درحال توسعه و از بین بردن باورهای ملی در حمایت

۱. جهانگرد، اسفندیار، صنعت خودرو سازی و جایگاه آن در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳۹۲، ص ۵۴.
 ۲. جلیل پیران، حسین و نسیم ناصری اسکویی، بررسی مزیت نسبی، رقابتی محصولات عمده کشاورزی در استان البرز، مجله اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۹۴، شماره‌های ۳ و ۴، ص ۴۳.

از تولیدات داخلی و تلاش برای پیشرفت و ارتقای دانش بومی.^۱ در این خصوص، اعمال ضابطه الزام سهم داخل برای حمایت از صنایع نوپا و تولید داخلی ابزار خوبی محسوب می‌شود؛ با این توضیح که سرمایه‌گذاری خارجی، ورود شرکت‌های چندملیتی و استقرار کارخانه‌های مونتاژ در کشور میزبان، نیاز این کشور به مواد واسطه‌ای را افزایش می‌دهد^۲ و افزایش واردات مواد واسطه‌ای نیز به حذف تولیدکننده داخلی خواهد انجامید؛ بنابراین، «کشور میزبان برای حمایت از صنایع نوپا (تولید کالای واسطه‌ای)، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی را ملزم می‌کند تا میزان معینی از مواد اولیه داخلی یا مواد واسطه‌ای تولید داخل را در ساخت کالای نهایی استفاده کنند».^۳ این روند باعث می‌گردد مطابق اصل مزیت نسبی، کالاهای بی‌کیفیت جای خود را به کالاهای باکیفیت بدهند. از سویی دیگر، با ورود و انتقال فناوری به کشور میزبان می‌توان ادعا کرد که اصل مزیت نسبی در بازخورد با جهانی شدن اقتصاد و فناوری کم‌رنگ شده و پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری خارجی اندکی تعدیل گردد.

۳.۳. تریمز موجبی در واردات و صادرات افسار گسیخته

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، موافقت‌نامه تریمز در تلاش است موانعی را که ممکن است دولت‌ها فراراه تجارت آزادانه کالا و سرمایه‌گذاری خارجی به وجود آورند، از میان بردارد. از جمله این موانع محدودیت‌های وارداتی و صادراتی است. عدم الزام سرمایه‌گذار خارجی به واردات یا صادرات میزان مشخصی از کالاها یا مواد اولیه مورد نیاز بنگاه‌های تولیدی از سوی دولت میزبان یکی از عوامل تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی قلمداد می‌شود. در این بخش، موافقت‌نامه تریمز بر آن است تا کنترل دولت‌ها بر میزان صادرات و واردات کالاها و مواد اولیه توسط سرمایه‌گذار خارجی را به حداقل ممکن برساند یا در بهترین وضع این کنترل را از میان بردارد و بدین نحو، دست سرمایه‌گذار خارجی را نسبت به وادار کردن و استفاده از کالاها و مواد اولیه وارداتی (خارجی) در کشور میزبان سرمایه‌گذاری باز گذارد. حال آنکه کشورهای درحال توسعه و کمتر

۱. حبیب زاده، توکل و علی اصغر بصیری جم، الزامات ناشی از موافقت‌نامه ضوابط تجاری مرتبط با سرمایه گذاری (تریمز)؛ چالشی برای امنیت اقتصادی کشور، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۸، ۱۳۹۴، شماره ۲۹، ص ۱۹.
 ۲. شیروی، عبدالحسین و علیرضا پوراسماعیلی، پیشین، ص ۴۶.
 ۳. همان، ص ۴۷.

توسعه یافته بنا بر بررسی‌های صورت گرفته، نیازمند اعمال کنترل بر این بخش به لحاظ حفظ ظرفیت‌های تولیدی خود هستند.^۱

نمی‌توان الحاق به سازمان جهانی تجارت و به تبع آن پذیرش تریمز را معضل و پیامدی کاملاً منفی تلقی نمود که به واسطه آن نظارت بر واردات و صادرات از دست دولت خارج و مواد اولیه برای تغذیه شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی بی‌وقفه وارد می‌شود و قس علی‌هذا... «در این مرحله، لغو الزام سهم داخل، کاهش تعرفه کالاهای نهایی و افزایش واردات مواد واسطه‌ای و قطعات و کالاهای نهایی امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین، حمایت‌های دولت موجب خواهد شد تا پس از رسیدن صنایع نوپا به مرحله بلوغ (البته اگر مثل صنعت خودروسازی در مرحله کودکی اقامت همیشگی نکنند)، امکان صادرات مواد واسطه‌ای و قطعات و حتی کالاهای نهایی افزایش یابد».^۲

از سوی دیگر، عدم اعمال کنترل بر صادرات نیز (چنانچه شرایط بهینه به منظور تولید کالا توسط سرمایه‌گذار خارجی در کشور میزبان مهیا باشد)، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل برای استفاده هرچه بیشتر سرمایه‌گذار خارجی از منابع اولیه و نیروی کار ارزان در راستای تولید بیشتر و صادرات محصولاتی که با هزینه بسیار ناچیز تولید شده‌اند، تلقی شود که نتیجه این امر چیزی نیست مگر استثمار اقتصادی کشور میزبان سرمایه‌گذاری.^۳ البته با چنین رویکرد و تحلیلی، باید یک دیوار از تخصص خود دور صنعت داخلی کشیده و کماکان با شعارهای کلیشه‌ای و آرمان‌گرایانه، همچون «ما می‌توانیم»، بیش از پیش مردم را در مضیقه انتخاب بد و بدتر قرار دهیم. از طرفی، توان و انگیزه رقابت را از تولیدکنندگان داخلی سلب نماییم.

1. Mosoti, *op. cit.*, p. 194.

۲. شیروی، عبدالحسین و علیرضا پوراسماعیلی، پیشین، ص ۴۹.

۳. حبیب زاده، توکل و علی اصغر بصیری جم، همان، ص ۱۹.

نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی تجارت و تولید، رقابت شدیدی بین تولیدکنندگان در جریان است. چنانچه تولیدکنندگان داخلی در تولید کالا و محصولات نهایی خود استانداردهای لازم را رعایت نکرده و کیفیت تولیدات خود را ارتقا نبخشند، حتی اگر ایران به عضویت سازمان جهانی تجارت درنیاید، در آینده دچار بحران جدی خواهند شد. ایران از نظر ژئوپولیتیک منطقه ای و منابع طبیعی در بهترین موقعیت راهبردی و سوق‌الجیشی قرار دارد؛ به جز برخورداری از منابع نفت و گاز خلیج فارس و دریای عمان، آسان‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر ترانزیت شرق به غرب و حتی جنوب به شمال یعنی از خلیج فارس به آسیای میانه است. با توجه به عضویت اکثر همسایگان ایران در سازمان جهانی تجارت، متوجه این ضرورت می‌شویم که چرا ایران پیش از الحاق به این سازمان، باید زمینه ورود خود را آماده کند.

از طرفی تعامل و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی در هر یک از سه سند «چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، «سیاست‌های کلی نظام ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری» و «قانون برنامه چهارم توسعه» لحاظ شده و هر کدام از آنها به اقتضا و فراخور خود به این موضوع پرداخته‌اند.

بدیهی است الحاق هدفمند ایران به سازمان جهانی تجارت می‌تواند شرایط اولیه و لازم برای بهره‌مندی حداکثری از امتیازات و تعدیل آثار منفی ناشی از الزامات تجارت جهانی آزاد و تحقق اهداف موردنظر را فراهم کند. اصلی‌ترین راهبرد حاکم بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کشور طی سال‌های آتی، باید با رویکرد توسعه صادرات، اصلاح سیاست‌های داخلی در راستای حرکت به سوی آماده‌سازی صنایع داخلی برای ورود به عرصه رقابت‌پذیری تجاری و همچنین تدوین و تصویب قوانین هدفمند اقتصادی و راهگشا و جایگزینی قوانین دست‌وپاگیر همراه باشد. رقابت‌پذیری، دسترسی آزادانه و منصفانه به بازارهای جهانی از طریق کاهش موانع تجاری، اعم از تعرفه ای و غیرتعرفه ای، مهم‌ترین کارکرد سازمان جهانی تجارت است که با توجه به عضویت اکثریت قریب به اتفاق کشورها در این سازمان، باید در برنامه‌های اقتصادی و تجاری خود به این الزامات توجه کنیم.

در هر صورت، دنیای امروز و آینده با سرعت به سوی جهانی‌سازی و اقتصاد و آزادسازی هرچه بیشتر تجارت جهانی و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی در کشورها و رفع تعرفه‌ها می‌رود و ایران نیز از این امر مستثنا نیست و اگر بخواهیم در راهبردهای سیاسی و دفاعی خود مانند گذشته موفق باشیم، لازم است تا در عرصه اقتصاد نیز با بهره‌گیری از نخبگان، ورودی جهادی داشته و هرچه سریع‌تر کشور را برای عضویت در سازمان جهانی تجارت آماده کنیم، بدون شک فراهم نمودن فضای اقتصادی برای عضویت در این سازمان با اجرای راهبردهای پیش‌گفته، قطعاً ما را در حوزه صنایع داخلی قوی‌تر و رقابت‌پذیرتر می‌کند و بدین ترتیب، قدرت چانه‌زنی ما را در مذاکرات عضویت بالا می‌برد و این جز در سایه اتکا به معیارهای اقتصاد مقاومتی و تقویت جدی بنیه‌های صنایع داخلی از طریق مشارکت واقعی با سرمایه‌گذاری‌های خارجی (سهام‌دار شدن) و ورود سرمایه، دانش و آموزش تحقق نمی‌یابد.

فهرست منابع

الف) فارسی

کتاب

۱. آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۲. طلوعی، محمود، *فرهنگ جامع علوم سیاسی*، تهران: نشر علم، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

مقاله

۳. اسفندیاری، امیر، *ساختار سازمان تجارت جهانی*، نشریه تدبیر، ۱۳۸۴، شماره ۱۵۸.
۴. جلیل پیران، حسین و نسیم ناصری اسکویی، *بررسی مزیت نسبی، رقابتی محصولات عمده کشاورزی در استان البرز*، مجله اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۹۴، شماره‌های ۳ و ۴.
۵. جهانگرد، اسفندیار، *صنعت خودروسازی و جایگاه آن در اقتصاد ایران*، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳۹۲.
۶. حائریان اردکانی، محمود، *نفت و سازمان جهانی تجارت*، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره‌های ۴۴ و ۴۵، ۱۳۸۱.
۷. حبیب زاده، توکل، علی اصغر بصیری جم، *الزامات ناشی از موافقت‌نامه ضوابط تجاری مرتبط با سرمایه‌گذاری (تریمز)؛ چالشی برای امنیت اقتصادی کشور*، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۸، ۱۳۹۴، شماره ۲۹.
۸. رایزنی، علی و همکاران، *صد نکته در خصوص سازمان جهانی تجارت*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰.
۹. زارع، محمد حسین، (۱۳۹۰)، *اثرات پذیرش موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری سازمان جهانی تجارت بر حساب جاری ایران*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۱۰. شیروی، عبدالحسین، علیرضا پوراسماعیلی، *مطالعه تطبیقی الزام سهم داخل در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی*، نشریه حقوقی دادگستری، دوره ۷۵، ۱۳۹۰، شماره ۷۴.
۱۱. کمیجانی، اکبر، *نگاهی اجمالی به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی و تحلیلی از جنبه اقتصادی و حقوقی ناشی از الحاق ایران به WTO*، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۷۵، شماره ۶.

۱۲. مرادی، بهنام و مهدی ایران‌پرست، سرمایه‌گذاری خارجی، موانع و راهکارهای آن، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، ۱۳۸۵.

۱۳. نصاییان، شهریار، نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال ایران، نشریه پژوهشنامه اقتصادی؛ دوره ۶، ۱۳۸۵، شماره ۳.

۱۴. منبع الکترونیک

۱۵. بوجاری، مسعود، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و الزامات حقوقی آن در حوزه تجارت بین‌الملل، ۱۳۹۴، برگرفته از سایت به آدرس:

<http://www.ettelaat.com/etiran/?p=125229>

۱۶. بی‌نا، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی معطل چیست؟، گفت‌وگوی روزنامه «دنیای اقتصاد»، کد خبر: ۶۷۶۱۸۴، ۱۳۹۵، برگرفته از سایت به آدرس:

<http://www.tabnak.ir/fa/news>

۱۷. جهان‌دیده، سامان، الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، گزارش نظر سنجی از نمایندگان بخش خصوصی کشور پیرامون موضوع، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ۱۳۸۸.

ب) منابع انگلیسی

Books

18. Caves, Richard E., *Creative Industries: Contracts between Art and Commerce*, Harvard University Press, 2005.
19. Kuntze, Jan Christoph, and Tom Moerenhout, *Local Content Requirements and the Renewable Energy Industry - A Good Match?*, International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD), 2013.
20. *Local Content Requirements and the Green Economy*, United Nations Publication, 2014.
21. Matsushita, Mitsuo and others, *The World Trade Organization*, First Publishing, Oxford University Press, 2003.
22. Moran, Theodore, *The Impact of Trade-Related Investment Measures and Development: Theory, Evidence and Policy Implications*, New York & Geneva, United Nations, 1991.
23. Rashid, Khalid, Philip Levy & Mohammad Salaam, *The World Trade Organization and Developing Countries*, Vienna, Austria, 1999.

24. Selivanova, Yulia, *The WTO and Energy: WTO Rules and Agreements of Relevance to the Energy Sector*, Energy Charter Secretariat, 2007.
25. UNCTAD, *WTO Core Principles and Prohibition*, 2003.
26. United Nations, *Elimination of TRIMs: The Experience of Selected Developing Countries*, Printed in Switzerland.

Articles

27. Morrissey O., "Investment and Competition Policy in the WTO: Issues for Developing Countries", *Development Policy Review*, Vol. 20, No. 1, 2001.
28. Mosoti, Victor, "The WTO Agreement on Trade Related Investment Measures and the Flow of Foreign Direct Investment I Africa: Meeting the Development Challenge", *Peace International Review*, Vol. 15, 2003.

Dissertation

29. Umemoto, Masaru, **Three Essays on Local Content Requirements**, Ph.D. Dissertation in Economics, Faculty of Graduate School of Vanderbilt University, May 1998.

Report

30. *Globalization, Growth, and Poverty - A World Bank Policy Research Report*, 2002.

Website

31. UNCTAD, **National Treatment**, UNCTAD/ITE/IIT/11, Vol. IV, 1999, p. Available at: <http://unctad.org/en/docs/psiteiitd11v4.en.pdf>.